

## بعد از شهادت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا ، چه اتفاقاتی در عالم افتاد ؟

شیعیان ، اعتقاد دارند که نصب امام و جانشین پیامبر به دست خداوند است و مردم اجازه دخالت در انتخاب امام ندارند ؛ همان طوری که انتخاب پیامبر به دست خداوند است و مردم حق انتخاب نبی را ندارند . در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که این مطلب را ثابت می کند . خداوند کریم در باره امامت حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید :

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا .

البقره / 124 .

من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم !

و نیز می فرماید :

وَهَبْنَا لَهُ إِسْمَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ كَلَّا جَعَلْنَا نَبِيًّا .

مریم / 49 .

ما اسماعق و یعقوب را به او بخشیدیم و هر یک را پیامبری (بزرگ) قرار دادیم !

طبق این آیه ، جعل امامت حضرت ابراهیم به دست خدا بوده است ؛ همان طوری که جعل نبوت او به دست خدا بود ؛ اما هیچ آیه در قرآن وجود ندارد که انتخاب نبی و امام را به دست مردم سپرده باشد .

و نیز شیعیان اعتقاد دارند همان طوری که پیامبران الهی برای اثبات نبوت و رسالت نیاز به ارائه معجزه و کرامات خارق العاده داشتند ، اوصیاء و جانشینان آنان نیز باید برای اثبات امامت خویش از کرامت و معجزه استفاده می کردند و گرنه سخن آنان پذیرفته نشده و قابل تصدیق نیست .

و ائمه اهل بیت علیهم السلام ، هر کدام دارای معجزات و کراماتی بوده اند که افراد با دیدن آن ها از ائمه ، سخن آنان را پذیرفته و به امامت آنان تن می دادند .

حضرت سید الشهداء علیه السلام امام سوم شیعیان ، دارای معجزات و کرامات زیادی در زمان حیاتشان و حتی بعد از شهادتش بوده که این معجزات ثابت می کند ، آن بزرگوار ، امام بر حق و منصوب از جانب خداوند و جانشین شایسته بعد از برادرش امام حسن علیه السلام است ؛ زیرا محال است خداوند این معجزات و کرامات را به دست نا اهلان و مدعیان دروغین ولایت الهی بسپارد و نعوذ بالله با در اختیار قرار دادن این معجزات به دست آن ها زمینه های گمراهی مردم را مهیا سازد .

ما در این مختصر ، سعی می کنیم به معجزاتی از امام حسین بپردازیم که بعد از شهادت آن حضرت در عالم اتفاق افتاده است ، معجزات منحصر به فردی که عقل هر عاقلی را مبهور کرده می کند . بی تردید ، هر یک از این معجزات برای روشن شدن حقیقت برای حق

پرستان و کسانی که به دنبال هدایت الهی هستند کفایت می کند؛ البته به شرطی که تعصب های جاهلی را کنار گذاشته شده و فقط با چشم دل به این معجزات نگریسته شود .

و از آن جایی که شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام به امامت حسین بن علی علیهما السلام و معجزات و کرامات آن بزرگوار یقین دارند و از جانب دیگر ، طرف ما کسانی هستند که نمی خواهند ولایت فرزند رسول خدا را بپذیرند و به جای پیروی از ثقلین ، دنبال رو دشمنان اهل بیت هستند ، ما سعی می کنیم این معجزات و کرامات را فقط از معتبرترین کتاب ها و از قول برترین عالمان و دانشمندان آن ها نقل و ثابت کنیم تا حجت و برهان بر همه حقیقت جوین تمام شده و راه انکاری باقی نماند .

## 1. برخورد ستارگان آسمان با یکدیگر :

عن عیسی بن المارث الکندی ، قال : لما قتل المسین مکثنا سبعة أيام إذا صلینا فنظرنا إلى الشمس علی أطراف المیطان كأنها الملائف المعصفرة ، ونظرنا إلى الکواکب یضرب بعضها بعضا .

تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 432 - 433 و تاریخ الإسلام ، الذهبی ، ج 5 ، ص 15 و سیر أعلام النبلاء ، الذهبی ، ج 3 ، ص 312 و تاریخ مدینة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 227 .

عیسی بن مارث کندی می گوید : هنگامی مسین بن علی (علیه السلام) را شهید کردند ، تا هفت روز ، هر گاه که نماز عصر را می خواندیم می دیدیم آفتابی که بر دیوارهای خانه ها می تابید به قدری قرمز بود که گویا چادر های سرخ است که بر آن کشیده اند ، و می دیدیم که برفی از ستارگان همدیگر را می زدند (با یکدیگر برخورد می کردند) .

## 2 . آسمان خون گریه کرد :

عَنْ نَضْرَةَ الْأُرْدِيَّةِ قَالَتْ : لَمَّا أَنْ قُتِلَ الْمُسَيِّنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) مَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا فَأَمْنَبَمْتُ وَ كُلُّ شَيْءٍ لَنَا مَلَّانُ دَمًا .

تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 433 و سیر أعلام النبلاء ، الذهبی ، ج 3 ، ص 312 ، 313 و الثقات ، ابن حبان ، ج 5 ، ص 487 و تاریخ مدینة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 227 - 228 .

نضرة اردیه گوید : هنگامی که مسین بن علی (علیهما السلام) شهید شدند ، آسمان خون بارید و ما همچنان می دیدیم که تمام اشیاء و اسباب ما مملو از خون است .

جعفر بن سلیمان قال مدثنی خالتي أم سالم قالت لما قتل المسین بن علی مطرنا مطرا کالدم علی البیوت والجدر قال وبلغنی أنه کان بفراسان والشام والکوفه .

تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 433 - 434 و سیر أعلام النبلاء ، الذهبی ، ج 3 ، ص 312 - 313 و تاریخ الإسلام ، الذهبی ، ج 5 ، ص 16 و تاریخ مدینة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 228 - 229 .

جعفر بن سلیمان ، روایت کرده که فالحام ، ام سالم ، گفت : هنگامی که امام مسین (علیه السلام) به شهادت رسید ، بارانی همانند فون بر دیوارها و فانه ها می بارید . و گفت : به من خبر داند که همین باران فون ، در فراسان ، شام و کوفه نیز باریده است .

### 3 . اشک ریختن آسمان :

عن ابن سیرین قال لم تبک السماء علی آمد بعد یمیی بن زکریا إلا علی المسین بن علی .

سیر أعلام النبلاء ، الذهبی ، ج 3 ، ص 312 و تاریخ مدینة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 225 - 226 .

ابن سیرین گفت : آسمان برای هیچ کسی جز یمیی بن زکریا و مسین بن علی (علیهم السلام) گریه نکرده است .

### 4 . تاریک شدن دنیا :

مدثنا فلف بن فلیفه ، عن أبیه ، قال : لما قتل المسین اسودت السماء ، وظهرت الکواکب نهارا حتی رأیت الجوزاء عند العصر وسقط التراب الأمر .

تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 431 - 432 و تهذیب التهذیب ، ابن حجر ، ج 2 ، ص 305 و تاریخ مدینة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 226 فلف بن فلیفه از پدرش نقل می کند که گفت : زمانی که امام مسین (علیه السلام) به شهادت رسید ، آن قدر آسمان تاریک شد که هنگام ظهر ستاره های آسمان ظاهر شدند ؛ تا جائی که ستاره جوزا در عصر دیده شده و فاک سرف از آسمان فرو ریفت .

وقال : وقال علی بن مسهر ، عن جدته : لما قتل المسین کنت جاریة شابة ، فمکثت السماء بضعة أيام بلیالیهن كأنها علقه .

تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 432 و تاریخ مدینة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 226 .

علی بن مسهر از جد اش نقل می کند که می گفت : هنگامی که امام مسین به شهادت رسید من دفتری نوجوان بودم ، آسمان چند شبانه روز درنگ نمود که گویا لفته فون بود .

## 5 . سرخ شدن آسمان :

وقال على بن ميمم المدائني ، عن علي بن مدرک ، عن جده الأسود بن قيس : اامرت آفاق السماء بعد قتل المسين بستة أشهر ، نرى ذلك في آفاق السماء كأنها الدم . قال : فمدتت بذلك شريكا ، فقال لي : ما أنت من الأسود ؟ ، قلت : هو جدی أبو أمی قال : أم والله إن كان لمدوق الحديث ، عظیم الأمانة ، مكرما للضيف .

تهذيب الكمال ، المزی ، ج 6 ، ص 432 و تاريخ الإسلام ، الذهبی ، ج 5 ، ص 15 و سير أعلام النبلاء ، الذهبی ، ج 3 ، ص 312 و تاريخ مدينة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 227 .

علی بن مدرک از پدر بزرگش اسود بن قیس نقل می کند که گفت : پهنه آسمان پس از شهادت امام مسین به مدت شش ماه سرفرنگ شده بود که ما آن را شبیه فون در آسمان مشاهده می کردیم ، علی بن ممد مدائنی از وی سؤال کرد : چه نسبتی با اسود داری ؟ گفت : او جد مادری من است گفت : به فدا سوگند که او راستگو و امانتداری بزرگ و میهمان نواز بود .

وقال عباس بن ميمم الدوري ، عن يميى بن معين : مدثنا جرير ، عن يزيد بن أبي زياد ، قال : قتل المسين ولي أربع عشرة سنة ، وصار الورس الذي كان في عسكرهم رمادا واممرت آفاق السماء ونمروا ناقةً في عسكرهم فكانوا يرون في لعمها النيران .

تهذيب الكمال ، المزی ، ج 6 ، ص 434 – 435 و تهذيب التهذيب ، ابن حجر ، ج 2 ، ص 305 و سير أعلام النبلاء ، الذهبی ، ج 3 ، ص 313 و تاريخ الإسلام ، الذهبی ، ج 5 ، ص 15 و تاريخ مدينة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 230 .

يزيد بن ابي زياد می گوید: من چهارده ساله بودم که مسین بن علی به شهادت رسید گیاه ورس در بین لشکر به خاکستر تبدیل شد و پهنه آسمان قرمز رنگ شد شتری را لشکریان ذبح کردند آتش از گوشتش زبانه می کشید .

عن هشام عن محمد قال تعلم هذه الممره في الأفق مع هو فقال من يوم قتل المسين بن علي .

سير أعلام النبلاء ، الذهبی ، ج 3 ، ص 312 و تاريخ الإسلام ، الذهبی ، ج 5 ، ص 15 و تاريخ مدينة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 228 .

هشام از محمد نقل می کند که گفت : می دانی سرفی افق از چه زمانی بوده ؟ از روزی که مسین بن علی به شهادت رسید این سرفی در افق دیده شد .

## 6 . دیوار دار الإمارة خون گریه کرد :

مدثني أبو يميى مهدي بن ميمون قال : سمعت مروان مولى هند بنت المهلب ، قال : مدثني بواب عبيد الله بن زياد أنه لما جيء برأس المسين فوضع بين يديه ، رأيت ميظان دار الامارة تسيل دما .

تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 433 - 434 و تاریخ مدینه دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 229 .

هنگامی که سر مبارک امام مسین علیه السلام را در برابر ابن زیاد نهادند ، دیدم که از دیوارهای دارالاماره فون

جاری می‌گشت .

## 7 . گرفتن خورشید :

عَنْ أَبِي قَبِيلٍ لَمَّا قُتِلَ الْمُسَيِّنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) كُسِفَتِ الشَّمْسُ كَسْفَةً بَدَتِ الْكَوَاكِبُ نِصْفَ النَّهَارِ مَتَى ظَنَنَّا أَنَّهَا هِيَ .

تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 433 و تاریخ مدینه دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 228 و تلخیص الحبیر ، ابن حجر ، ج 5 ، ص 84 و السنن الکبری ، البیهقی ، ج 3 ، ص 337 .

هنگامی که امام مسین علیه السلام به شهادت رسید، خورشید گرفت و آن قدر تاریک شد که هنگام ظهر ستاره‌های

آسمان ظاهر گردیدند . از این اتفاق چنین پنداشتیم که قیامت برپا شده است !

## 8 . جاری شدن خون تازه از زیر سنگ ها :

(وقال ) يعقوب بن سفیان ثنا سليمان ابن حرب ثنا ممد بن زيد عن معمر قال **أَوَّلُ مَا عُرِفَ الزُّهْرِيُّ تُكَلَّمَ فِي مَيْلِسِ**

**الْوَلِيدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ فَقَالَ الْوَلِيدُ أَيُّكُمْ يَعْلَمُ مَا فَعَلَتْ أَمْجَارُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ يَوْمَ قَتَلَ الْمُسَيِّنُ بْنُ عَلِيٍّ فَقَالَ الزُّهْرِيُّ بَلَّغَنِي**

**أَنَّهُ لَمْ يُقَلِّبْ مَجْرًا إِلَّا وَتَمَّتْ دَمًا عَيْبًا .**

تهذیب التهذیب ، ابن حجر ، ج 2 ، ص 305 و تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 434 و سیر أعلام النبلاء ، الذهبي ، ج 3 ، ص 314 و تاریخ الإسلام ، الذهبي ، ج 5 ، ص 16 و تاریخ مدینه دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 229 .

ابو بکر بیهقی از معروف روایت کرده که ولید بن عبد الملک از زهری پرسید سنگ‌های بیت المقدس در روز کشته شدن

مسین بن علی چه حالتی به خود گرفتند ، زهری گفت : به من خبر دادند که در روز شهادت مسین بن علی هر سنگی را که از

زمین بر می داشتند در زیر او فون تازه می دیدند .

عَنْ أُمِّ مَيَّانَ قَالَتْ يَوْمَ قَتَلَ الْمُسَيِّنُ أَظْلَمَتْ عَلَيْنَا ثَلَاثًا وَ لَمْ يَمَسَّ أَحَدٌ مِنْ زَعْفَرَانِهِمْ شَيْئًا فَجَعَلَهُ عَلَى وَجْهِهِ إِلَّا امْتَرَقَ وَ

**لَمْ يُقَلِّبْ مَجْرًا بِبَيْتِ الْمَقْدِسِ إِلَّا أَصِيبَ تَمَّتْ دَمًا عَيْبًا**

تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 434 و تاریخ مدینه دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 229 و ...

از ام میان نقل است که گفت : روز شهادت مسین اسمان سه شبانه روز تاریک شد و هر کس دست به زعفران می زد

دستش می سوخت و زیر هر سنگی در بیت المقدس فون دیده می شد .

ممد بن عمر بن علی عن أبيه قال أرسل عبد الملك إلى ابن رأس الجالوت فقال هل كان في قتل المسين علامة

قال ابن الجالوت ما كشف يومئذ مجر إلا وجد تمته دم عبيط .

تاریخ الإسلام ، الذهبی ، ج 5 ، ص 16 و تاریخ مدینة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 229 – 230 .

عبد الملک شفصی را نزد پسر راس الجالوت فرستاد تا از وی بپرسد که آیا نشانه ای از کشته شدن مسین در عالم دیده شده است یا نه ، او در پاسخ گفت : هیچ سنگی از زمین بر داشته نشد مگر اینکه فون تازه دیده می شد .

## 9 . خاکستر شدن گیاه ورس (اسپرک) :

(وقال ) ابن معین مدتتا جریر ثنا یزید بن ابی زیاد قال قتل المسین ولی أربع عشرة سنة و صار الورس الذی فی

عسکرهم رمادا .

تهذیب التهذیب ، ابن حجر ، ج 2 ، ص 305 و تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 434 – 435 و سیر أعلام النبلاء ، الذهبی ، ج 3 ، ص 313 و تاریخ الإسلام ، الذهبی ، ج 5 ، ص 15 و تاریخ مدینة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 230 .

یزید بن ابی زیاد می گوید : من چهارده ساله بودم که مسین بن علی به شهادت رسید گیاه ورس در بین لشکر به

فاکستر تبدیل شد .

(وقال ) الممیدی عن ابن عیینة عن جدته أم أبيه قالت لقد رأيت الورس عاد رمادا ولقد رأيت اللحم كأن فيه النار مین

قتل المسین .

تهذیب التهذیب ، ابن حجر ، ج 2 ، ص 305 و تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 435 و سیر أعلام النبلاء ، الذهبی ، ج 3 ، ص 313 و تاریخ الإسلام ، الذهبی ، ج 5 ، ص 16 .

ابن عیینة از مادر بزرگ پدری اش نقل می کند که گفت : هنگام شهادت مسین گیاه ورس را دیدم که تبدیل به فاکستر شد و در گوشتها آتش می دیدم .

وقال محمد بن المنذر البغدادی ، عن سفیان بن عیینة : مدتتی جدتی أم عیینة : أن ممالا كان یممل ورسا فهوی قتل

المسین ، فصار ورسه رمادا .

تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 435 و تاریخ مدینة دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 231 .

ام عیینة می گوید : شفصی در حال حمل گیاه ورس بود به ذهنش افتاد که برای جنگ بامسین او هم شرکت کند که ناگهان گیاه تبدیل به فاکستر شد .

أفبرنا أبو محمد السلمی أن أبو بكر الفطیب وأفبرنا أبو القاسم بن السمرقندی أن أبو بكر قال أنا أبو المسین

أنا عبد الله نا یعقوب نا أبو نعیم نا عقبه بن أبی مفضة السلولی عن أبيه قال إن كان الورس من ورس المسین

یقال به هكذا فیصیر رمادا .

تاریخ مدینه دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 230 – 231 .

ورس : همان اسپرک است که گیاهی است شبیه به کنجد با برگ های سبز رنگ که از رنگ آن برای رنگ کردن لباس ها استفاده می شود و در یمن زیاد می روید و لباس ورسی ، لباس سرخ رنگ را گویند .

### 11 . تلخ شدن گوشت شتر غنیمت گرفته شده از امام :

عَنْ جَمِيلِ بْنِ مَرْهَةَ قَالَ أَمَابُوا إِبِلًا فِي عَسْكَرِ الْمُسَيِّنِ (عليه السلام) يَوْمَ قَتَلَ فَنَمَرُوهَا وَ طَبَفُوهَا قَالَ فَصَارَتْ مِثْلَ الْعَلَقِ فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يُسَيِّغُوا مِنْهَا شَيْئًا .

تهذیب التهذیب ، ابن حجر ، ج 2 ، ص 306 و تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 435 – 436 و تاریخ الإسلام ، الذهبی ، ج 5 ، ص 16 و تاریخ مدینه دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 231 .

جمیل بن مره گوید : شتری از لشکرگاه مسین بن علی را در روز شهادت او غارت گرفتند ، و سپس او را نمر کرده و طبغ نمودند ، راوی گوید : گوشت او آن چنان تلخ شد که آنان نتوانستند از آن گوشت استفاده کنند .

### 12 . دیده شدن آتش در گوشت شتر غنیمت گرفته شده :

وقال محمد بن عبد الله المصرمی : مدثنا أممذ بن یمی الصوفی ، قال : مدثنا أبو غسان ، قال : مدثنا ، أبو نمیر عم المسن ابن شعیب ، عن أبي ممد الطمان ، قال : كنت فی فزاعة فباؤوا بشئ من تركه المسین فقیل لهم : نمر أو نبیع فنقسم ؟ قالوا : انمروا ، قال : فجعل علی بفتنة فلما وضعت فارت ناراً .

تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 435 و تاریخ مدینه دمشق ، ابن عساکر ، ج 14 ، ص 231 .

از ممد طمان روایت شده است که در قبیله فزاعه بودم ، از جمله چیزهایی که از امام مسین علیه السلام پیاول شده بود و به آن قبیله آورده بودند ، یک شتر بود . مردم آن قبیله گفتند : این شتر را نمر کنیم و یا معامله نمائیم ؟ کسی که شتر را آورده بود گفت : می فوهم آن را نمر کنید .

ممیدگفت : سپر را برای نمر کردن آن میوان آماده ساختم ، همین که شتر را فوابانیده و سپر را به زمین گذاشتم و آماده کشتن آن بودیم ، ناگهان آتشی از آن سپر مانند آب فوران کرد !

(وقال ) ابن معین مدثنا جریر ثنا زید بن ابي الزناد قال قتل المسین و لی أربع عشرة سنة و صار الؤرس رمادا الذی كان فی عسکرهم و اثمرت آفاق السماء و نمرؤا ناقه فی عسکرهم فكانوا یرون فی لثمها النیران .

تهذیب التهذیب ، ابن حجر ، ج 2 ، ص 305 و تهذیب الکمال ، المزی ، ج 6 ، ص 434 – 435 و سیر أعلام النبلاء ، الذهبی ، ج 3 ، ص 313 و

تاریخ الإسلام، الذهبی، ج 5، ص 15 و تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، ج 14، ص 230.

ابن معین از جریر از یزید بن زیاد روایت می‌کند که او گفت: سالی که امام حسین علیه السلام به شهادت نائل آمد، من چهارده سال داشتم (و همان روزها شنیدم که آثاری در پی شهادت آن مضرت در لشکر مخالفان ظاهر گردیده، از جمله آن که گیاهان ورس در لشکرگاه آنها خاکستر شد، و آسمان سرفه‌گون گردید، و در لشکرگاه شتری را نمر کردند ولی مثل این بود که آتش در آن نهاده بودند!